

آینده جهان

مهدویت

صفحه ۱

حیله‌ی دشمن

صفحه ۳

پاسخگویی به شبهات

در رسانه‌ها

صفحه ۴

کتمان سر

صفحه ۶

ظرفیت‌های
معطل مانده‌ی
قوه‌ی قضائیه

صفحه ۷

پیروز جنگ اخیر در فلسطین

صفحه ۲

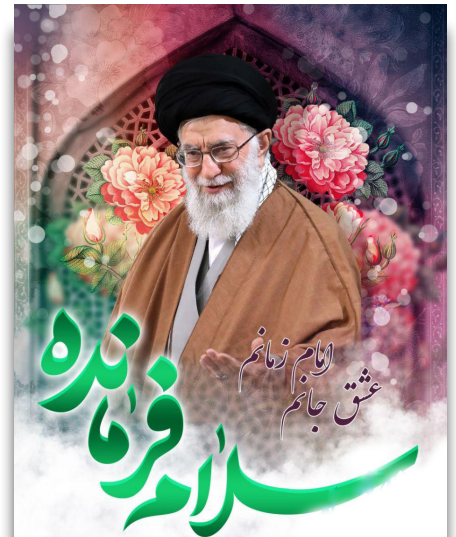


نقوذ پهباداها

با بررسی راهبردهای محور مقاومت در
مقابله با نقشه‌های رژیم صهیونیستی
اسرائیل، به این نتیجه می‌رسیم که
پهباداها نقشی اساسی در دکترین نظامی
کشورهای مقاومت، ایفا می‌کنند



صفحه ۱۰



اعتراف ناخواسته‌ی دشمن
به
قدرت جمهوری اسلامی

صفحه ۹

آینده جهان (مهدویت)



السَّلَامَ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَ بِهِ الشُّعْثَ؛ سلام به آن آقایی که دل‌ها را به هم پیوند می‌زند، کنار هم قرار می‌دهد و اندوه‌ها را از بین می‌برد. بعضی گفته‌اند نمی‌از آیات قرآن درباره گذشته است. چرا؟ عبرت‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و سنت‌هایی که حاکم است برگزیده، ما می‌توانیم از آن قانون، قاعده در بیاوریم.

امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای به پسرش امام مجتبی (ع) فرمود:

تفسیر آیت الله خزعلی: دنیا در آخرالزمان یک دهکده جهانی خواهد شد. مردم کف دستشان را نگاه می‌کنند و از سرتاسر عالم خبردار می‌شوند.

حالا بیایم سراغ امام زمان (ع) اسلام، قرآن، آینده را چگونه توصیف کرده است؟ می‌فرماید: آینده به دست مؤمنان صالح خواهد افتاد. وعده خدا است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» «ل» یعنی حتماً، صد درصد، مؤمنان صالح فرمانروای این کره خاکی خواهند شد. این وعده خدا است. آینده جهان از نظر قرآن این است.

یک آیه دیگر: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

کتاب «منتخب الاثر» حضرت آیت الله صافی گلپایگانی که ۵ جلد است، حدود ۳ هزار حدیث، چند هزار حدیث از شیعه و از سنی که حتی پیامبر برای اینکه کسی ناباوری سراغ او نیاید فرمود حتی اگر یک روز از عمر زمین مانده باشد امام زمان خواهد آمد. با اطمینان کامل.

امامان ما ده‌ها بار بشارت داده‌اند آینده خوشی در انتظار جامعه بشری است. آنهایی که عقیده دارند می‌پذیرند، آنهایی هم که عقیده ندارند یک عده‌ای متلک می‌گویند، یک عده‌ای طعنه می‌زنند ولی...

خو پیشگویی کرده است و همان هم شده است.

سلمان فارسی زرتشتی بود مسیحی شد. بعد از سالیان دراز، کشیشی به او گفت دیگر دنبال عالم مسیحی نگردد. الآن با توجه به بشارت‌هایی که ما در کتاب‌ها می‌خوانیم، باید به حجاز بروی. یک شهری است بین دو کوه وجود دارد که پیامبری از آنجا ظهور می‌کند.

شهید بهشتی می‌گوید: «من تحقیق کردم از ۱۰۰ سال قبل از ظهور پیامبر، برخی از مسیحی‌ها و یهودی‌ها مطمئن بودند که پیشگویی تورات و انجیل رخ می‌دهد.

داستان پیشگویی شهادت میثم تمار از زبان حضرت علی علیه السلام پس پیشگویی‌های آسمانی درست از آب درآمده است. ادیان آسمانی تجربه کردند، مسیحی‌ها تجربه کردند، یهودی‌ها تجربه کردند، تا می‌رسیم به اسلام.

یکی از ابعاد اعجاز قرآن هم پیشگویی‌ها است. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ فِي بَعْضِ سِنِينَ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» «جنگی بین دو ابرقدرت آن روز یعنی روم و ایران انجام شد. کتاب مسلمان‌ها دارد پیشگویی می‌کند. آیه آمده است که «غَلَبَتِ الرُّومُ» رومیان شکست خوردند و در کمتر از ده سال آینده جنگ دیگری رخ خواهد داد بین این دو که در آن جنگ ایرانیان شکست خواهند خورد.

پسر جان تاریخ گذشته را با دقت، یک جوری که انگار خودت در آن جمعیت بودی بخوان. یعنی اگر تازیه‌ای بر دوش مظلومان بلند شده است، تو درد آن را حس کنی. اگر شیرینی بوده است بچشی. اینگونه تاریخ گذشته را بخوان. گذشته خیلی مهم است.

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ».

اما برای شناخت آینده دو راه وجود دارد: یک، پیش‌بینی‌های بشری؛ دو، پیشگویی‌های آسمانی. در هند، در یونان، در مصر، در ایران، در چین، نوابغی از روی نبوغشان آینده‌ها را پیشگویی می‌کردند. و مردم خیلی شگفت‌زده می‌شدند. اما این پیشگویی‌های بشری دو ایراد دارد: ایراد اول آن که محدود است. یعنی مثلاً از همین آقای پیشگو پرسیم شما تا چند سال بعد را می‌توانی ببینی؟ نهایتش چند صد سال را می‌بیند و بعد آن را دیگر نمی‌بیند. دوم، ضریب خطا دارد. مثلاً ۵ تا پیشگویی می‌کند، ۳ تای آن غلط از آب درمی‌آید و ۲ تای آن درست. خیلی از پیشگوها در تاریخ حرف‌هایی زده‌اند که نادرست از آب درآمده است. مثل پیشگویی که چندین سال قبل شد که: «سال ۲۰۱۲ دنیا تمام خواهد شد». آن وقت بشر چگونه آینده خودش را بسپارد به پیشگویی‌هایی که نمی‌داند حرفشان راست خواهد بود یا نه؟

می‌ماند پیشگویی‌های آسمانی. همه ادیان آسمانی، بخشی از معارف آنها بشارت‌هایی است راجع به آینده و تاریخ ادیان نشان می‌دهد که اینها درست درآمده است. یعنی موسی بن عمران آمدن عیسی بن مریم را با تاریخ و با جزئیات پیشگویی کرده است. و همانطور شده است. عیسی بن مریم آمدن پیامبر اسلام را با جزئیات، منطقه ظهور، شکل و شمایل، خلق و

پیروز جنگ اخیر در فلسطین



جنگ اخیر در فلسطین اشغالی با ترور تعدادی از رزمندگان از جمله یکی از فرماندهان ارشد جهاد اسلامی آغاز و پس از سه روز با درخواست اسرائیل و موافقت جهاد اسلامی آتش بس برقرار شد. در مورد این جنگ نابرابر، هم طرف اسرائیلی مدعی است که به تمام اهداف خود که ترور فرماندهان جنبش جهاد اسلامی بود رسیده است و هم جهاد اسلامی می‌گوید که شروطش را بر دشمن صهیونیستی تحمیل و پیروز نبرد اخیر بوده است.

سؤال این است که واقعاً پیروز اصلی این جنگ کیست؟ پاسخ به این سؤال مهم مستلزم توجه و ارزیابی اهداف شروع جنگ و نتایج حاصل از آن است.

با بررسی اخبار، سه هدف عمده اسرائیل از اقدام اخیر قابل بررسی است:

۱. ترور فرماندهان جنبش جهاد اسلامی به عنوان بخشی از ترور رهبران مقاومت فلسطین

۲. تقویت جبهه درونی اسرائیل

۳. ایجاد اختلاف بین جریان‌های مقاومت فلسطین آنچه اتفاق افتاد:

الف) اسرائیل موفق شد دو فرمانده ارشد جهاد اسلامی را اسیر و دو فرمانده ارشد دیگر را به همراه تعداد دیگری از رزمندگان مقاومت ترور کند. همچنین پایگاه‌های جهاد اسلامی را بمباران و تعداد دیگری از رزمندگان و مردم عادی را به شهادت برساند.

ب) جهاد اسلامی هم موفق شد بیش از هزار موشک و راکد را به شهرها و شهرک‌های فلسطین اشغالی پرتاب نماید که تعداد قابل توجهی از آنها با عبور از گنبد آهنین در سرزمین‌های اشغالی فرود آمدند. همچنین با ایجاد موازنه وحشت، امنیت را که رکن اساسی در بقاء حیات

منفور این رژیم است به چالش جدی بکشد. جهاد اسلامی توانست تلاویو و حتی دورتر از آن را نیز مورد هدف موشک‌های خود قرار دهد.

ارزیابی نتایج جنگ:

۱. علی‌رغم اینکه اسرائیل توانست تعدادی از فرماندهان و رزمندگان جهاد اسلامی را به شهادت برساند اما نمی‌توان آن را پیروز جنگ دانست؛ اولاً مجبور به پذیرش شروط جهاد اسلامی شد، این یعنی مقاومت دست برتر را در جنگ در اختیار گرفته بود.

ثانیاً با به خاک و خون کشیدن کودکان بی دفاع، ضربات حقوقی، سیاسی و حیثیتی متحمل شد.

**این خون‌های پاک، جریان ساز است،
به سرعت تکثیر خواهد شد و
مقاومت را تقویت خواهد نمود.**

ثالثاً در هیچ‌کدام از اهداف سه‌گانه پیش گفته موفقیت قابل اعتنایی بدست نیاورد. جهاد اسلامی نه تنها تضعیف نشد بلکه توانست به تنهایی مدیریت جنگ را به نحو شایسته‌ای انجام دهد و حمایت مردمی بیشتری را به دست بیاورد. جبهه داخلی اسرائیل ضعیف‌های امنیتی بیشتر را بروز داد و از نظر سیاسی هم دولت لاپید مورد انتقاد داخلی قرار گرفت و دستاورد قابل اعتنایی نداشت. از نظر ایجاد اختلاف بین مقاومت فلسطین نیز هیچ دستاوردی نداشت، امروز گروه‌های مقاومت بیش از پیش ضرورت هماهنگی و وحدت را مورد تأکید قرار می‌دهند.

با عنایت به موارد مذکور چند نکته قابل توجه است:

۱. جنبش جهاد اسلامی نشان داد، اگر مجبور شود به تنهایی هم توان مدیریت جنگ با دشمن را دارد، نقش این جنبش به جهت میدان داری حماس، همواره در سایه محسوب می‌شد؛ دشمن صهیونیستی باعث شد نقش جهاد اسلامی برجسته شود و به عنوان یک نیروی قدرتمند شناخته شود که قطعاً هدف دشمن خلاف این امر و نابودی توان جهاد اسلامی

بود.

۲. هرچند جهاد اسلامی تعدادی از بهترین‌های خود را از دست داد، اما این خون‌های پاک جریان ساز است، به سرعت تکثیر خواهد شد و مقاومت را تقویت خواهد نمود.

۳. رژیم موقت اسرائیل ترور رهبران فلسطینی را در دستور کار قرار داده است و تصور نمی‌کرد با ترور یک فرمانده، اینگونه درگیر جنگ فراگیر شود. اگر پاسخ قاطع جهاد اسلامی نبود برنامه ترور با سرعت و قدرت بیشتری ادامه می‌یافت، اما دشمن فهمید که ادامه ترورها بیش از تصورش هزینه خواهد داشت.

۴. جهاد اسلامی توانست شروط خود را بر دشمن تحمیل کند از جمله باز شدن گذرگاه‌های غزه و آزادی دو فرمانده دستگیر شده اخیر که خود پیروزی ارزشمندی بود.

۵. اعلام آمادگی محور مقاومت برای کمک به مقاومت فلسطین، بار دیگر نشان داد که محور مقاومت یکپارچه و متحد است و آماده دفاع از منافع امت اسلامی است که این وضعیت، کابوس دشمن را تشدید خواهد نمود.

با لحاظ تمام شرایط و محدودیت‌ها می‌توان ثابت کرد که پیروز این میدان جبهه مقاومت بود و این اراده و خواست جهاد اسلامی بود که بر دشمن کودک کش صهیونیستی تحمیل شد و لاپید کم تجربه و بی‌خرد رسماً اعلام کرد که ادامه جنگ به ضرر اسرائیل است و در نهایت تن به خواسته مقاومت داد.

از حمله ۳۳ روزه به ۲۲ و ۸ روزه رسیدیم و اکنون به ۳ روز! عمر اسرائیل نیز به همین شکل رو به پایان است و انشاءالله دور نخواهد بود روزی که نماز فتح در بیت المقدس به امامت ولی امر مسلمین خوانده شود.

و بار دیگر ثابت شد که شاید شروع کننده چالش‌های جدید، با دشمن باشد اما پایان آن را اراده مقاومت تعیین خواهد نمود.

حیله‌ی دشمن



”

یکی از حیله‌های دشمن برای از بین بردن کانون گرم خانواده، هجوم به ارزش‌های والای زنان جامعه مخصوصاً حجاب است و برای

تضعیف روحیه آنها وانمود می‌کند که تعداد زنان با حجاب در جامعه بسیار کم است. با این کار می‌خواهند زنان دچار یأس و ناامیدی شده و تسلیم اراده دشمن شوند.

البته این ادعا، فریب و حیله دشمن است و گرنه تعداد زنان با حجاب در جامعه اسلامی بیشتر از زنان بدون حجاب است و زنان با حجاب بدون علت در صحنه جامعه و بیرون از منزل حضور پیدا نمی‌کنند و این کمتر دیده شدن آنها در بیرون، نشان از کم بودن تعداد زنان محجبه نیست. شاید همه این ادعا را قبول داشته باشند که حضور زنان با حجاب در مراسم‌های ملی و مذهبی، بیشتر از زنان بدون حجاب است. در تشییع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و همچنین در اجتماعات گوناگون از جمله شرکت در روز جهانی شیرخوارگان حضرت علی اصغر (علیه السلام)، راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن و... بیشتر بودن زنان با حجاب جامعه به وضوح دیده می‌شود.

پس یکی از راه‌های خنثی کردن حیله‌های دشمنان، شرکت پر شور زنان با حجاب جامعه در همچنین مناسبات ملی و مذهبی است.

زنان با حجاب بدون علت در صحنه جامعه و بیرون از منزل حضور پیدا نمی‌کنند و این کمتر دیده شدن آنها در بیرون، نشان از کم بودن تعداد زنان محجبه نیست.

احمد غفارپور



پاسخگویی به شبهات در رسانه

چکیده

امروز عموم جوانان کشور، مسائل را با چشم بصیرت و با استبصار نگاه می‌کنند و می‌خواهند بفهمند. یک بخش مهم از حادثه فرهنگی در جامعه امروز ما این است که ذهن فعال این جوانان در معرض شبهات قرار می‌گیرد. از سوی دیگر القای شبهات دینی از راهبردهای مهم جنگ نرم مستکبران عالم علیه نظام جمهوری اسلامی است. پس باید حرکت منسجم، منظم و حساب‌شده‌ای در برابر این هجمه شبهات ایستادگی کرده و پاسخ‌های روشنی به آنان ارائه دهد. در این صورت است که جوانان این کشور خواهند توانست به عنوان موتور محرکه حرکت جامعه با استحکام و پایداری وارد مسیر تحقق آرمان‌های بزرگ این ملت شوند. سازمان صدا و سیما به عنوان یکی از مهم‌ترین متولیان حفظ و ترویج فرهنگ اصیل اسلامی خود را مسئول نقش‌آفرینی در عرصه پاسخگویی به شبهات دینی جوانان می‌داند؛ در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی شیوه‌های مطلوب پاسخگویی به شبهات دینی جوانان در رسانه‌ها است. در این راستا الگوی مطلوب پاسخگویی به شبهات در رسانه‌ها ذیل سه محور اصلی «مبانی»، «مقدمات» و «الزامات» تبیین می‌گردد.

مقدمه:

احیاناً پشت به جبهه کرده تبدیل می‌شود که نه تنها خود راهی به سوی سعادت نخواهد یافت بلکه به احتمال زیاد زمینه به خطر افتادن سایر افراد جامعه را نیز فراهم خواهد کرد. به عبارت ساده‌تر شبهات دینی انگیزه و توانمندی نسل‌های مختلف برای دستیابی به آرمان‌های بزرگ الهی را در نظام جمهوری اسلامی از بین می‌برد. در چنین وضعیتی نسل جوان جامعه به خاطر حساسیت‌های خاصی که داراست و ظرفیت‌های نقش‌آفرینی و اثرگذاری به سزایی که دارد از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است. جوان موتور محرکه هر جامعه‌ای است و با خیزش اوست که فتح قله‌های آرمانی در دسترس کشورها خواهد بود. از همین روست که برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای تضييع نسل جوان در کشورهای اسلامی از سال‌های بسیار دور و از دوران استعمار آغاز

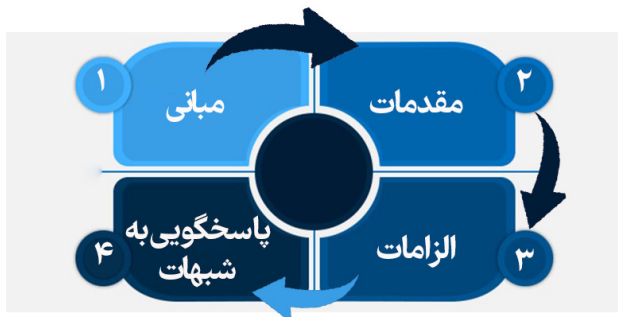
یکی از پایه‌های اساسی تهاجم فرهنگی، حمله به اصول عقائد جامعه و سست کردن آن‌ها در دل مؤمنین از طریق ایجاد شبهات بزرگ و کوچک است. در چنین حالتی با انحراف و اختلال در عقیده و برداشت و تلقی هر انسان از واقعیات و حقایق عالم، به تدریج رفتار و خلیقیات فردی و اجتماعی او نیز از راه حق و حقیقت جدا شده و رنگ الهی و دینی خود را از دست می‌دهد. پیامد نهایی فضای غبارآلود شبهات در جامعه اسلامی این خواهد شد که نتیجه چنین امری این خواهد شد که جوان مؤمن فداکار با اراده و با قدرت تصمیم‌گیری که مثل گلوله سوزانی به سمت سینه دشمن حرکت می‌کرد به یک موجود پشیمان، متزلزل، مردد، منفعل و

ادامه در صفحه بعد

شده و به دنبال جستجوی الگوهای مطلوبی برای پاسخگویی به این شبهات باشیم.

اهمیت این پژوهش در کلام مقام معظم رهبری به روشنی پیداست؛ آن جا که معظم له می‌فرماید: «روی این نسل جوان که مایه تکیه و امید است، دارد بتدریج با شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون، کار و تلاش می‌شود؛ این تلاش هم عمدتاً فرهنگی است. البته محافلی برای این که جوانان را ببرند و آلوده به فساد بکنند، وجود دارد، که جنبه غیر فرهنگی و جنبه عملی دارد؛ لیکن آنچه که بیش از همه خطرناک است، ذهن و فکر و روحیه جوان است؛ این را باید دریافت. بیشترین چیزی که روی ذهن جوان اثر می‌کند، دو عامل است: یکی تبلیغات گوناگون دشمن است؛ تبلیغاتی که جوان را نسبت به حقایق مقدس اسلامی و حقایقی که در انقلاب به عنوان مسلمات و پایه‌ها و ستون‌های اصلی اعتقاد شناخته شده، سست و بی‌تفاوت کند و عامل دوم، عدم تبیین و دفاع صحیح از این حقایق و اصول است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۲۵).

الگوی پاسخگویی به شبهات در رسانه



محور اول: مبانی اساسی پاسخگویی به شبهات دینی جوانان

این محور در حقیقت هسته اصلی تفکر ما در پاسخگویی به شبهات دینی جوانان را شکل می‌دهد. این مبانی ارکان ضروری و واجب الرعایه‌ای هستند که هرگونه پاسخ به شبهات در رسانه باید از منظر تک تک عناصر ذکرشده در این محور کنترل شده و اطمینان حاصل گردد که تمام موارد لحاظ شده‌اند. در حقیقت این مبانی تمام روش‌ها و اقدامات بعدی را هدایتگری می‌کنند.

دقیق است. به همین دلیل اگر ما به صورت انفعالی به دنبال شبهات رفته و پاسخگویی کنیم قطعاً عقب خواهیم ماند و کار پیش نخواهد رفت. طرف مقابل بسیار ساده شبهه القا خواهد کرد ولی پاسخگویی برای ما بسیار سخت‌تر خواهد بود به همین دلیل برای برخورد ریشه‌ای با شبهات نباید به پاسخگویی به شبهات بسنده کرد بلکه باید حتماً وارد عرصه تهاجمی شد به عبارت دیگر ما نیز باید در همان موضوع به مبانی طرف مقابل شبهه بکنیم تا او نیز به انفعال بیفتد و توازن برقرار گردد. به این ترتیب باید همزمان هم دفاع و هم حمله بکنیم.

۴. پاسخگویی از مسیر ایجابی در مواردی که امکان اشاعه شبهه با پاسخگویی به آن وجود دارد باید به جای طرح شبهه و سپس پاسخگویی، پاسخ را به صورت ایجابی و تهاجمی مطرح کرد. برای مثال باید بدون اشاره به شبهات موجود پیرامون حجاب به فوائد و نقش حجاب در زندگی زنان پردازیم یعنی از قالب شبهه خارج می‌شویم ولی در حقیقت از مسیری برعکس به شبهات پاسخ داده‌ایم. در چنین حالتی اگر روزی مخاطب به شبهه رسید، پاسخ را از قبل دریافت کرده است و در تجزیه و تحلیل ذهنی خود حتماً به آن خواهد رسید.

۵. آموزش مبنایی و پاسخگویی به شبهات در کنار هم و مکمل یکدیگر پاسخگویی به شبهات مقطعی و موردی است ولی آموزش دین اساسی، ریشه‌دار و بلندمدت است. این دو حتماً باید در کنار هم باشند تا اهداف در همه لایه‌ها به دست آید.

۶. تقدم رتبی آموزش مبنایی بر پاسخگویی به شبهات

۴-۲-۱-۱- مقوله اول: رویکرد اساسی در پاسخگویی به شبهات

۱. بصیرت‌بخشی و تفکرسازی

در تمام فعالیت‌ها تأکید بر فعال‌سازی نیروی تفکر نسل جوان و آزادسازی او از بندهای مختل‌کننده فطرت پاک انسانی مثل تعصبات، شهوات و... در اولویت است. صرف پاسخگویی به شبهات چندان اثربخش نخواهد بود. در کنار پاسخگویی به شبهات روزمره باید روی مبانی فکری و اصول معرفتی تأکید ویژه‌ای داشت. باید مبانی به قدری خوب و قوی برای مخاطب تشریح شود تا خود او در مواجهه با شبهات قدرت تحلیل و پاسخگویی داشته باشد. باید اولاً مسیر تفکر پیش روی او گشوده شود و ثانیاً شیوه تفکر آزاد و منطقی بر او عرضه گردد تا در برابر شبهات برای همیشه محافظت شود. به همین جهت لازم نیست که همیشه وارد میدان‌های پرهیاهو و غبارآلود شبهات شده و ای بسا در بین اظهار نظرهای بیشمار طرفین ناپدید شویم بلکه باید در آرامش کامل، حقایق ناب فطری و الهی را به جان‌های مخاطبانمان عرضه کنیم.

۲. پاسخگویی؛ مقدمه‌ای برای رشد فرد

در مواجهه فعال با شبهات صرفاً پاسخگویی به شبهه مد نظر نیست بلکه در این حالت شبهات شناسایی و بررسی می‌گردد اما در ادامه برنامه‌ریزی و تمرکز اصلی پاسخگو رشد مخاطب است نه صرفاً پاسخگویی به هر شبهه‌ای که مطرح است. مثل پزشکی که با توجه به علائم بیماری به عامل اصلی و مرکز بیماری در بدن پی برده و به دنبال مداوای آن است.

۳. پاسخگویی و تهاجم همزمان

طرح شبهه ویرانگری است و پاسخگویی به آن سازندگی است. ویرانگری کاری سهل، سریع و بدون نیاز به تخصص و فهم خاصی است اما سازندگی کاری تدریجی، نیازمند برنامه‌ریزی و تخصص

ادامه در صفحه بعد

و وضعیت مخاطب و وضعیت کلی جامعه بیان کرد. باید توجه داشت که یک خوراک مقوی و مغذی هنگامی قابل عرضه است که استعداد و قابلیت پذیرش طرف مقابل بررسی شود. اگر در ارائه مطالب اسلامی یا خط درست سیاسی اندازه، شیوه و ملازمات مناسب مورد توجه قرار نگیرد، آن خوراک به مخاطب نخواهد رسید و بالعکس اثر منفی خواهد گذاشت.

۹. ارتباط با مخاطب بر اساس صداقت و اعتماد متقابل به طور کلی احساس صداقت و اعتماد متقابل بین طرفین ارتباطی، از پیش شرطهای ضروری هر نوع ارتباط هدفمند است. این ضرورت در حوزه پاسخگویی به شبهات اهمیت مضاعفی می‌یابد. چرا که اگر مخاطب ما رسانه را در مقام طرفدار حق و حقیقت و دغدغه‌مند هدایت و سعادت خویش نبیند به او اعتماد نخواهد کرد و همواره به صدق نیت و گفتار او مشکوک خواهد بود. در طرف مقابل هر قدر مخاطب بتواند احساس صداقت و اعتماد نسبت به رسانه بکند ارتباط اثربخش‌تری برقرار خواهد شد و مخاطب با اطمینان خاطر و بدون پیش‌فرض‌های اولیه سخن رسانه را ادراک خواهد کرد. ...

ادامه در شماره‌های بعدی می‌آید انشالله

حجت سلیم

حتماً باید این دو در کنار هم باشند ولی باید متوجه باشیم که اصل آموزش مبنایی دین است و پاسخ به شبهات هم باید تقویت‌کننده آن باشد و نه عملی مستقل. هر دو کار جدی و ضروری است ولی اینجا بحث سر اهمیت و جهت‌گیری کلی مباحث است. بدون شکل‌گیری اصول مبنایی معرفت دینی در ذهن مخاطب، بهترین شیوه‌های پاسخگویی به مخاطب هم او را به جایی نخواهد رساند.

۷. تقدم زمانی پاسخگویی به شبهات بر آموزش مبنایی باید توجه داشت که اهمیت و تقدم رتبی آموزش مبنایی دین به معنای تعطیلی کار پاسخگویی به شبهات نیست بلکه پاسخگویی به شبهاتی که نو به نو در فضا پیچیده و آلودگی ایجاد می‌کند ضروری است زیرا فضای کلی مسموم راه را برای آموزش‌های مبنایی دین خواهد بست. طبیعی است که در برابر حملات، قدم اول دفع حمله و مقاومت از طریق پاسخگویی به شبهات است ولی در مرحله بعد باید حمله بکنیم و همزمان هم مجموعه نظام‌مند و مستدل معرفتی خود را تبیین کنیم و هم نقاط ضعف دشمن را به رخ بکشیم و شبهات تفکر خود آنان را ظاهر کنیم.

۸. عملکرد اقتضائی

اساساً ویژگی خاص پاسخگویی به شبهات این است که نمی‌توان با اطلاع‌یافتن از موضوع کلی مورد بحث یک سری اصول و اطلاعات عام را بدون در نظر داشتن جزئیات مطلب

ادامه شرح حال و خاطراتی از عارف و عالم ربانی

آیت‌الله میرزا علی اکبر مرندی (کتمان سر-بخش هشتم)

فرزند ارشد آقا می‌فرمود: «ایشان پس از مراجعت‌شان از نجف اشرف به ایران و سکونت در مرند، چند سال بعد تصمیم گرفتند مدتی در تبریز اقامت گزینند. منزلی در یکی از محله‌های شهر اجاره کردند. در نزدیکی منزلشان مسجد کوچکی بود که گنجایش تعداد اندکی از نمازگزاران را داشت. در آن منطقه به ندرت یافت می‌شد که عالمی برای طلاب محترم لمعه تدریس کند. آقا با کتمان کامل مقام علمی خود، تصمیم می‌گیرند که این درس طلبگی را در همان مکان مقدس تدریس کنند. فضای غالب، به لحاظ پر محتوا بودن توضیحات درس و نحوه ارائه آن، فضائی آکنده از شوق و جاذبه بود، حضور پررنگ طلاب از یک طرف و محدودیت فضای مسجد از طرف دیگر، موجب تغییر مکان تعلیم و تربیت شد.

ولی تجمع بیش از پیش از پیش طلاب، این مکان را نیز تنگ‌تر کرد. ایشان قبل از این که دوباره به تغییر مکان فکر کنند تصمیم می‌گیرند تبریز را به مقصد زادگاه خودشان، مرند، ترک کنند؛ زیرا شدیداً نگران انتشار آوازه و شهرت احتمالی بودند، لذا بعد از مدتی به شهر خود عزیمت و در همان جا ساکن می‌شوند.

یکی از شاگردان والا مقام آقا، حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا رضا فقهی قدس سره الشریف، که مورد احترام عمیق معظم له بود، می‌فرمود: «روزی آقا به من فرمود اگر مایل باشید من و شما لمعه را مباحثه کنیم، من هم با کمال میل پذیرفتم. اولین روزی که برنامه شروع شد دیدم آقا لمعه را از حفظ می‌خواند و چنان توضیح می‌دهد که در عمرم نظیر آن را ندیده بودم. مدتی که گذشت ضعف جسمانی و کسالت مختصری بر جسمشان عارض شد و دیگر از این فیض محروم شدم».

روزی که برنامه شروع شد دیدم آقا لمعه را از حفظ می‌خواند و چنان توضیح می‌دهد که در عمرم نظیر آن را ندیده بودم.



یحیی مرندی

ظرفیت های معطل مانده قوه قضائیه

هفته قوه قضائیه و بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان این قوه (۱۴۰۱/۴/۷)، فرصتی را فراهم ساخت تا بر اساس این بیانات و با استناد به فصول ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی، نگاهی اجمالی داشته باشیم به بخشی از ظرفیت های معطل مانده این قوه.



در مورد عملکرد قوه قضائیه، با اذعان به اینکه مسیر پیشرفت و بهتر شدن روند رضایت بخش خدمات و فعالیت های این قوه، خصوصاً در سال های اخیر غیر قابل کتمان بوده و جای شکرگذاری دارد، در عین حال، بنظر می رسد علی رغم تلاش های صورت گرفته در دوره های مختلف مدیریتی، عمده تمرکز این قوه بر اجرای بنده های ۱ و ۴ و تا حدودی هم بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بوده و بخشی از ظرفیت ها و وظایف بر زمین مانده است که اگر به درستی به آنها توجه و مورد پیگیری جدی قرار گیرد، آثار وضعی آن در رفع یا حداقل، تعدیل قابل توجه بسیاری از مشکلات کنونی کشور به سرعت قابل شاهد خواهد بود.

از جمله ظرفیت های معطل مانده موصوف، مربوط به بنده های ۲ و ۵ و نیز ۳ اصل مذکور است که با توجه به مطالبه مجدد امام جامعه

می رود با توجه مسئولین قوای اقتدار آفرین نظام، خصوصاً قوه قضائیه، حاکمیت قانون و عدالت در جامعه بدون کوچکترین اهمالی، پیگیری و اعمال گردد تا کسی نتواند بر علیه منافع کشور و مردم و حقوق عامه دست درازی کند؛ در غیر این صورت، فقدان اقتدار و حاکمیت مقتدرانه قانون، می تواند منجر به هرج و مرج و قربانی شدن حقوق عامه، نظامات لازم و عدالت فردی و اجتماعی گردد.

در کشور شاهد قوانین و تصمیمات مفید مختلفی هستیم اما در اجرا به علل مختلف، خصوصاً کوتاهی متولیان مربوطه، معطل مانده و فاقد اثر می گردند که نتیجه چنین روندی، سلب اعتماد مردم از کارآمدی مسئولین و قدرت قانون شده و آفت بسیار سنگینی را متوجه کشور می نماید.

هر چند همه ابعاد در این زمینه، محدود به قوه قضائیه نیست، اما نقش این قوه در اقتدار آفرینی و بالا بردن هزینه قانون شکنی و همچنین تأثیرگذاری بر عملکرد دیگر قوا و بخش های کشور به جهت نقش نظارتی که بر حسن اجرای قوانین در کشور دارد، بنیادین و بی بدیل است.

منطبق با واقعیت های موجود، باید اذعان نمود که در مقطع زمانی کنونی، احیا و استفاده از فرصت های در اختیار مقامات و ساختارهای جمهوری اسلامی و وظایف قانونی بر زمین مانده، نه تنها یک وظیفه قانونی، بلکه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که اگر باز کوتاهی شود، معلوم نیست که عواقب محتمل تا چه میزان ویرانگر و قابل جبران خواهد بود! رهبر معظم انقلاب در همین دیدار می فرمایند:

«معمولاً قدرت ها از دو ناحیه ضربه می خورند: یک ناحیه، سوء استفاده از قدرت است؛ یک ناحیه، عدم استفاده از قدرت است. گاهی هست که انسان یک قدرتی دارد، از این سوء استفاده می کند؛ [یعنی] در جهت اهواء شخصی خودش، اهواء گروهی خودش، در جهت فساد و امثال اینها استفاده می کند؛ این یک جور ضایع کردن قدرت است؛ یک جور هم این است که انسان از این قدرت استفاده نکند؛ اصلاً معطل بگذارد که این هم تضییع قوت است؛ این هم کفران نعمت الهی است؛ فرقی نمی کند. تنبلی کردن، غفلت کردن، موجب می شود که این اقتدار از بین برود.»

به نظر می رسد اشاره رهبری معظم در این زمینه، نشان از یک غفلت و کوتاهی در اعمال قدرت در حفظ اقتدار قانونی در حل مسائل است که امید

ادامه در صفحه بعد

از این قوه: «هیچ بخش از اختیارات و مأموریت‌های قوه قضائیه که در قانون اساسی و قوانین مترتب بر آن معین شده، معطل نماند؛ هیچ بخشی معطل نماند. حالا فرض کنید در حوزه‌ی حقوق عمومی، دادستان کل وظایفی دارد، [و باید] رصد کامل نسبت به حقوق عامه داشته باشد.» جا دارد مسئولین عالی عدلیه به طور ویژه و فوریت ترتیبات لازم را برای شناسائی و پیگیری آنها اتخاذ نماید. از باب نمونه به سه مورد مهم اشاره می‌کنیم:

۱- پیگیری از وقوع جرم:

بند ۵ وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی به امر مهم پیگیری از جرم و اصلاح مجرمین اشاره دارد. با توجه به اهمیت این موضوع در عرصه‌های مختلف، مقام معظم رهبری حفظه الله، در همین دیدار اخیر، مجدداً به این موضوع اشاره فرمودند: «مسئله‌ی پیگیری از جرم که یکی از وظایف قوه قضائیه است و در قانون اساسی هم آمده، بایستی جدی گرفته بشود و [در مورد آن] هیچ اهمالی روا داشته نشود.» در بعضی از دوره‌های قوه قضائیه، کارهایی مانند آموزش‌های حقوقی مردم در جهت آشنایی با قوانین و پیگیری از وقوع جرم شروع شد اما ادامه دار نبود. ارتقاء آگاهی و دانش حقوقی مردم، اصلاح قوانین و رویه‌ها، شناسائی و مبارزه با عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی، ساختاری و اجرائی جرم خیر و... از جمله اقداماتی است که در صورت اهتمام جدی، می‌تواند در پیگیری از وقوع جرائم نقش مؤثری داشته باشد. به عنوان نمونه آیا وضع موجود فضای مجازی، مصداق واقعی بستر جرم خیزی نیست؟! یا کوتاهی دستگاه‌ها در اجرای کامل طرح حد نگار (گاداستر) که هزاران پرونده ملکی را سبب شده است، یا وضعیت آشفته و هنجار شکن سلبریتی‌های سینمایی، ورزشی و... که فرهنگ، ادب و اعتقادات جامعه را به ورطه نابودی می‌کشاند، مصداقی از جرم خیزی نیستند؟! چرا قوه قضائیه در این زمینه‌ها حساسیت لازم ندارد؟! «نظارت بر حسن اجرای قوانین»

۲- نظارت بر حسن اجرای قوانین:

یک بند مستقل (بند ۳) وظایف قوه

قضائیه در قانون اساسی را به خود اختصاص می‌دهد که این خود نشان از اهمیت بالای آن است. سازمان بازرسی کل کشور بازوی اصلی نظارت بر حسن اجرای قوانین است. در این حوزه، قوه قضائیه کارهای خوبی را انجام داده است، چون متولی دارد و ساختار تعریف کرده و قوانین و آئین نامه‌های مربوطه را برای اجرا پیش بینی نموده است، لذا همه ترتیبات و لوازم قانونی را در اختیار دارد و فعال هم می‌باشد، اما چرا اثرگذاری آن چندان ملموس نیست و مردم چندان آشنائی با آن ندارند؟! به نظر می‌رسد با تأکیدات اخیر رهبر معظم انقلاب، قوه قضائیه باید بیش از پیش و با قدرت بیشتری در جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین همت بورزد و مردم را نیز در جریان امور قرار دهد.

۳- احیای حقوق عامه:

«احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» موضوع بند ۲ وظایف عدلیه است، آیا این بند از مصادیق وظایف بر زمین مانده قوه قضائیه نیست؟ در سال‌های اخیر اقدامات

اختیارات معطل مانده دیوان عالی کشور نیز خالی از لطف نیست، البته به نوعی بی ارتباط با هر سه مورد پیش گفته هم نیست.

دو بخش از اختیارات معطل مانده دیوان عالی کشور را ذکر می‌کنیم اگر احیا شود حتماً نتایج خوبی خواهد داشت:

۱- نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و... (موضوع اصل ۱۶۱ قانون اساسی). با اجرائی شدن این نقش دیوان، روند بهبود عملکرد محاکم سرعت بیشتری می‌گرفت، تاکنون دالی بر ورود جدی دیوان عالی کشور در این زمینه دیده نمی‌شود.

۲- رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلف از وظایف و اختیارات رئیس جمهور. (موضوع بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) در برخی از دوره‌ها، خصوصاً یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری،

«یکی از حقوق عمومی مردم همین است که امنیت روانی داشته باشند. امنیت روانی یعنی چه؟ یعنی هر روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس افکننده‌ای در ذهن‌ها پخش نشود.»

موردی، خصوصاً در زمینه‌ها حقوق عامه شنیده می‌شود اما وظایف مندرج در این بند بسیار فراگیر و اساسی بنظر می‌رسد. اقداماتی که در زمینه حقوق عامه انجام می‌شود بسیار تأثیرگذار و قابل تقدیر است؛ لکن جای کار بسیار بیشتر از حجمی است که پیگیری می‌شود. در مورد «گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» آیا اقدامی ایجابی از سوی قوه قضائیه وجود دارد؟ اگر قوه قضائیه همین بند را که هم حمایت رهبری معظم را به همراه دارد و هم پشتیبانی‌های مردمی را، با جدیت و قدرت تمام پیگیری کند، مشکلات فراوانی قابل حل بوده و اتفاقات خوبی خواهد افتاد. رهبر عزیز انقلاب، امنیت روانی مردم را به عنوان نمونه‌ای از حقوق عامه اشاره و می‌فرمایند: «یکی از حقوق عمومی مردم همین است که امنیت روانی داشته باشند. امنیت روانی یعنی چه؟ یعنی هر روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس افکننده‌ای در ذهن‌ها پخش نشود. حالا تا دیروز فقط روزنامه‌ها بودند که این کارها را می‌کردند، حالا فضای مجازی هم اضافه شده. هر چند وقت یا چند روز یک بار، گاهی چند ساعت یک بار یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرفی را یک آدم مشخصی یا نامشخصی در فضای مجازی منتشر می‌کند، مردم را نگران می‌کند، ذهن مردم را خراب می‌کند. یک دروغی را مطرح می‌کند، شایع می‌کند، خب، این امنیت روانی مردم را از بین می‌رود. یکی از وظایف قوه قضائیه برخورد با این مسئله

است.» علاوه بر موارد سه گانه مذکور، اشاره به

حقیقتا اگر عنصر اخلاص به هر حرکتی بخورد، قطعا قلوب را مجذوب و به تحسین و امی دارد، حال اگر این اخلاص، کار درباره امام زمان (عج) باشد که دیگر غوغا می کند ...



اغتشاش گران فتنه ۸۸ صورت گرفت، ابتکار حکومت جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تجمعات اعتراضی مردم ایران اعلام کردند. البته همانطور که فیلم‌های این تجمعات گویاست، با بررسی بازه سنی مخاطبان و نحوه برگزاری این مراسم‌ها صحت این مطلب زیر سوال می‌رود. یا عنوان کردند که این حرکت با حمایت ارگان‌هایی مانند سپاه در این حجم گسترش یافته است،

این کودکان معصوم را در دریای موج مادی و اومانیستی خود می‌بلعند، باید حضور جدی‌تر داشت. اصلا امنیت و سلامت فطری آنها را باید سربازان امام زمان (عج) حفظ کنند. امنیت فقط جنگ و معادلات منطقه ای و جهانی و امثال آنها نیست. ما وظیفه داریم قلوب را عاشق نگهداریم، عاشق امام زمان... همانگونه که از لحظه تولد این کودکان

سلام فرمانده؛ از جنس همان کارهایی است که به روح و روان پاک فرزندان دهه نودی اسیر در فضای مادی ساخته بزرگان تالوئی خاص می‌بخشد. کم عکس و فیلم از شور و شوق و گریه‌های کودکان برای سربازی امام زمانشان هنگام پخش #سلام_فرمانده بیرون نیامده، کودکانی که با فطرت پاک توحیدی شان خیلی زود این مضامین به جانشان نشسته و با آن عجین می‌شوند. انگار دهه نودی‌ها منتظر همچین سروده‌ای بودند. آنها منتظر ندا و فراخوان فرمانده خود بودند.

این کلیپ نشان داد کودکان دهه نودی، انگار دل و روحشان خسته از اطراف بود و به دنبال گمشده حقیقی خودشان (امام زمان علیه السلام) بودند. انگار داشتند به ما بزرگترها تشر می‌زدند و می‌گفتند که چرا حواستان به امام زمانتان نیست؟ شما بزرگترها چرا برای امام زمانتان دور هم جمع نمی‌شوید؟



که با این ادعا ناخواسته به یک قدرت در جمهوری اسلامی اعتراف کردند. و آن اینکه نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را علاوه بر قدرت نظامی، دارای چنان قدرت فرهنگی و اجماع سازی دانستند که توانسته حتی کودکان دهه نودی را پای کار بیاورد و در این حد نفوذ داشته باشد و اتفاقا مورد استقبال مردم نیز قرار بگیرد.

به هر حال سلام فرمانده نشان داد که جای چنین کارهای تمیزی در پهنه فرهنگی کشور خالی بوده و همت مضاعف اهالی هنر متعهد را در موضوعات عمیقی مانند ظهور و امام زمان (ع) می‌طلبد.

فطرتشان با حقیقت ظهور عجین شده است.

و چه خوب که ساخت، پخش و اجتماع‌های مربوط به این کلیپ کاملا از دل ملت برآمده و هیچ جریان و نهاد دولتی و غیر دولتی پشت این کار نبوده است و در ادامه هم باید سعی شود که هیچ نهاد حکومتی به این قضیه وارد نشود.

از اثر گذاری قلبی سلام فرمانده که بگذریم، اثر گذاری این حرکت در شبکه‌های اجتماعی و واکنش رسانه‌های بیگانه نیز قابل توجه بود. شبکه‌هایی مانند بی بی سی و اینترنشنال سعودی، این حرکت را به مانند حماسه ۹ دی که در مقابله با

به درستی که عنصر اخلاص، عجیب معجزه گری می‌کند. کار برای امام زمان، اخلاص می‌طلبد. نمی‌شود در میدان وسیع هجمه‌های سنگین دشمن، بدون کلید حیاتی اخلاص عملیات کنی و نتیجه هم بگیری.

این کلیپ نشان داد هر نسلی از انقلاب که می‌گذرد اهداف والای نهفته در انقلاب هم به فرزندان این مرزوبوم خودجوش منتقل می‌شود. انگار حضرت حجت (ع) هم روی حل بخشی از معادلات جهانی ظهور روی همین دهه نودی‌ها حساب باز کرده است. انگار حضرت هم به این صدق نیت کودکان لبیک گفته، و قرار است اجتماع جهانی دهه نودی‌ها را شکل دهد که از میزان استقبال کشورهای مختلف مانند پاکستان، عراق و سوریه از این کلیپ کاملا معلوم است، این کلیپ بانگ ساخت لشکر جهانی سربازان دهه نودی را به صدا درآورده است.

جائیکه دشمنان، با انواع تبلیغات سمی خود،

نفوذ پهبادها

پهبادها، ایمنی نیروها به مراتب بالاتر رفت. دومین دلیل به هزینه ساخت پایین و در دسترس بودن تکنولوژی این پرنده‌ها نزد ایران و به تبع در کشورهای مقاومت برمی‌گردد. چون با فناوری‌های بومی و مهندسی‌های معکوس صورت گرفته در روی پهبادهای به غنیمت گرفته شده در چند سال اخیر، به جرات می‌توان گفت که ایران در زمینه ساخت پهبادها با حداقل هزینه نه‌ایت تکنولوژی صاحب سبک شده است.

سومین نکته، به ضعف و گاهی عدم شناسایی این پرنده‌ها توسط رادارهای دشمن برمی‌گردد، که در گذشته و در جریان حمله انصارالله یمن به پالایشگاه نفتی آرامکو و همچنین نفوذ پهباد حزب الله لبنان به اسرائیل این قضیه را شاهد بودیم.

چهارمین دلیل به هزینه تحمیلی بالای این پرنده‌ها به سامانه‌های پدافندی و هوایی طرف مقابل برمی‌گردد، به عنوان مثال، چند ماه پیش بود که پهباد چند هزار دلاری حزب الله لبنان به مدت دو ساعت داخل اراضی اشغالی به عکس برداری و مخابره آن به مرکز

در منطقه غرب آسیا، هر خبر نظامی و امنیتی که به گوش می‌رسد در چارچوب تلاش برای موازنه قدرت بین جریان عربی، عبری و آمریکایی و جریان مقاومت تعریف می‌شود.

پهباد؛ مهم‌ترین کلیدواژه در خبرهای چند وقت اخیر در محافل رسانه‌ای صهیونیست‌ها است. پهبادها در دکتورین دفاعی ایران و به تبع ایران، کشورها و جریان‌های محور مقاومت، به چند دلیل نقشی اساسی داشته و مهم‌ترین ابزار برای اشراف اطلاعاتی بر دشمنان قلمداد می‌شوند. در جدیدترین مورد هم شبکه ۱۴ اسرائیل به نفوذ پهبادهای ایرانی به داخل اراضی اشغالی اشاره داشته است. در این تحلیل با برشمردن بخشی از راهبردهای جریان مقاومت به رهبری ایران برای تحت فشار دادن رژیم صهیونیستی به ارزش و اهمیت این پهبادها پی خواهیم برد.



۱. اولین راهبرد، مسلح کردن مردم فلسطین و کرانه باختری رود اردن به منظور به چالش کشیدن امنیت مصنوعی داخل مرزهای اسرائیل و به راه انداختن جنبش‌هایی مانند انتفاضه است؛ که در آخرین مورد، در مناطقی مثل جنین و غزه شاهد عملیات‌های شهادت طلبانه توسط فلسطینی‌ها بودیم که منجر به درک واصل شدن چندین تن از صهیونیست‌ها شد.

۲. افزایش برد و قدرت موشک‌های ارسالی به گروه‌های مبارز فلسطینی

۳. ایجاد انواع زرادخانه‌های موشکی در اطراف مرزهای

اسرائیلی در کشورهای لبنان (حزب الله) و سوریه ۴. آموزش و انتقال پیوسته تکنولوژی ساخت انواع موشک و پهبادها به گروه‌های مبارز محور مقاومت

۵. حملات سایبری گسترده به بخش‌های مختلف اطلاعات، انرژی و... توسط گروه‌های هکری محور مقاومت

۶. نفوذ اطلاعاتی امنیتی در افراد رده بالا مثل وزرا و بخش‌های مختلف نظامی اسرائیل

۷. تشکیل اتاق عملیات مشترک بین گروه‌ها و جریان‌های محور مقاومت و تقسیم وظیفه بین نیروها برای حفظ توانمندی و افزایش قدرت نیروها

۸. حمله نظامی مستقیم به مراکز جاسوسی اسرائیل در اطراف مرزهای ایران که نمونه آن را در حمله به مرکز جاسوسی اسرائیل در اربیل عراق مشاهده کردیم.

در بین همه راهبردهای نظامی، به چند دلیل، پهبادها نقشی بی بدلیل را ایفا می‌کنند که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم:

اولین و مهم‌ترین دلیل حفظ جان نیروها به واسطه استفاده از این پهبادهاست. چون تا قبل از این، برای عملیات‌های شناسایی و کارهای اطلاعاتی نیاز به نفوذ در جبهه مقابل بود که احتمال آسیب دیدن نیروها خیلی بالا می‌رفت و در واقع با به کارگیری

عاشورایی که ادامه دارد!
ما بزرگی را از تو آموختیم!
جز زیبایی چیزی ندیدم!
هدف از برگزاری مجالس اهل بیت
بسم رب الحسین!
نگاه رسانه‌ای به واقعه‌ی عاشورا!
دلگیرترین غروب تقویم!
مصاحبه با سردار زارع از جانبازان
هشت سال دفاع مقدس

سیدالشهدا

وبساز نامه

انقلاب اسلامی، ممانعت از هر نوع تصویرسازی از عاشورا و محرم دستورکاری است که از کشمیر هند گرفته تا آذربایجان، بحرین، افغانستان، نیجریه و هر نقطه ای از عالم که صدای امام حسین علیه السلام می تواند تهدیدی بر ستمگران باشد به شدت پیگیری می شود. این شدت در کشورهایی که ظرفیت شیعی بالایی دارند بیشتر از بقیه می باشد، مانند آذربایجان و بحرین که با وجود اکثریت شیعه، هرگونه تلاشی جهت برپایی مراسمات محرم با بدترین محدودیت ها و شکنجه و زندان مواجه می شود.

به عنوان مثال، چند سالی است که جمهوری آذربایجان علی رغم اکثریت بالای ۸۰ درصدی شیعه، با شدیدترین و ظالمانه ترین شکل ممکن منافع شکل گیری مراسمات حسینی می شود. تعداد زیادی از فعالین محرم و عزاداری ها با اتهام های جعلی و دروغین، دستگیر و روانه زندان می شوند، هر نوع تصویرسازی از نمادهای محرم ممنوع می باشد، کسی حق برگزاری مراسم عزاداری در اماکن عمومی و نصب پرچم را ندارد. امسال مقررات سخت تری وضع شده است، به گونه ای که جوانان زیر ۱۶ سال حق شرکت در مراسمات محرم حتی در مساجد را ندارند، این در حالی است که در

تقابل حق و باطل همزاد انسان است، این همآورد به گستره تاریخ وجود داشته است و عاشورا بارزترین مظهر آن، مظهري که تبدیل به شاخص شد، شاخص تشخیص حق از باطل، شاخصی که سکوت در برابر ظلم و ستم را شریک در آن ظلم می داند و عقوبت آن را نیز برابر با عقوبت ستمگران و ظالمان. این یعنی وظیفه محوری؛ در هر زمان و مکان باشد. بیان این معیار و شاخص توسط خود امام حسین علیه السلام در کربلا: «أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ يَفْعَلْ، وَ لَا قَوْلَ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَةَ» (وقعة الطف، ص ۱۷۲) (هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می کند؛ و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت بر نخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیاورد.)

امام حسین علیه السلام با تمام هستی و موجودی خویش به میدان آمد. سلالة رسول خدا به وظیفه اش است عمل کرد تا اسلام زنده بماند و راه عزت و شرف و آزادگی و تعالی انسان گم نشود؛ رمز ماندگاری عاشورا نیز در همین حقیقت عمل به سنت الهی نهفته است. «قطعا اسلام، زنده‌ی به عاشورا و به حسین بن علی (علیه السلام) است. همان طور که فرمود: «و انا من حسین»؛ (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۲، ح ۱) بنا بر این معنا، یعنی دین من، ادامه‌ی راه من، به وسیله‌ی حسین (علیه السلام) است. اگر



با وقوع انقلاب اسلامی، صفحه دیگری در ادامه قیام عاشورا گشوده شد؛ تقابل حق باطل بار دیگر در عریان ترین شکل خویش در منظر عموم قرار گرفت.

حادثه‌ی عاشورا نبود، اگر این فداکاری عظیم در تاریخ اسلام پیش نمی آمد، این تجربه، این درس عملی، به امت اسلامی داده نمی شد و یقیناً اسلام دچار انحرافی می شد از قبیل آنچه که ادیان قبل از اسلام دچار آن شدند و چیزی از حقیقت اسلام، از نورانیت اسلام باقی نمیماند. «(مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۹/۰۱)

با وقوع انقلاب اسلامی، صفحه دیگری در ادامه قیام عاشورا گشوده شد؛ تقابل حق باطل بار دیگر در عریان ترین شکل خویش در منظر عموم قرار گرفت. جبهه حق با تمسک بر فرهنگ عاشورا و مهدویت، حاکمیت طاغوت پهلوی را در هم شکست و اینک در گام دوم انقلاب اسلامی، فتح قله های دیگری را در پیش دارد، لکن جبهه باطل و ستمگران هم به صف شدند تا مانع آن شوند. نباید تصور کرد که نبرد عاشورایی کم رنگ شده است، داخل مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی تزویر، نیرنگ، وارونه نمایی حقایق، افزایش مشکلات روزمره و جابجایی مرزهای حق و باطل و ... برای آگاهان و اهل دقت، امر نامکشوفی نیست، اما در گستره جغرافیای اعتقادی

این کشور شیعی، فعالیت صهیونیست ها، هم جنس بازان، وهابیت و ... آزاد و مورد حمایت هم واقع می شود.

اما اشتباه می کنند، تاریخ گواه اشتباه بودن این کار است، سنت الهی باطل بودن آن را گواهی می دهد: «أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ» آیا می خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این نقشه ها گرفتار می شوند! (الطور/آیه ۴۲) یاوران حسینی در سختی ها آبدیده تر می شوند و مقاوم تر برای ادامه راه عاشورا، انقلاب اسلامی نمونه بارز آن است، آنچه امروز در کشورهایی مثل آذربایجان و بحرین

ادامه در صفحه بعد

می گذرد پهلوی نیز انجام داد، اتفاقاً آن روزها هم صهیونزم و نظام سلطه پشت رژیم طاغوتی پهلوی بود، همانطور که امروز پشت کشورهای مذکور قرار دارند. جوانان را از شرکت در مساجد منع می کنند، آنان منازل را تبدیل به هیأت می کنند. مردان را زندانی می کنند زنان زینبی پا به میدان می گذارند. در هفته های اخیر شنیدیم که یک بانوی زینبی بنام سیده شهلا چگونه باعث رسوایی و بدنامی رژیم سکولار الهام علیف شده است، دهها پلیس مأمور محافظت از خانه او شده اند تا اجازه ندهند نام «یا امام حسین» را دوباره بر دیوار خانه اش بنویسد! عاشورا محدود به تقویم نیست، تا تحویل امانت به منتقم اصلی ادامه خواهد یافت، امام حسین علیه السلام مسیر پیروزی را نشان داد، اگر عمل به وظیفه ایمانی شود، قطعاً منتج به پیروزی خواهد، تردیدی نیست که با ادامه مقاومت و پایداری یاران عاشورایی، ستمگری محکوم به شکست است و نصرت الهی شامل حال اهل ایمان خواهد شد: «إِنْ تَصُرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْرِجْ أَعْدَاءَكُمْ» گر (ایین) خدا را

رمضان سلطانیپور

عاشورا
عاشورا
عاشورا



عظمت را از تو آموختیم...

تو ایستادی...

ولایتمداری را معنا کردی...

دستان کوچک تو عشق و وفاداری را معنا کرد...

تو مرید بودی... سرباز بودی... مرد بودی

تو نقش خود را ایفا کردی....

آری تو هم بودی، فریاد زدی، جنگیدی...

لشکر را به هم ریختی... جان دادی، خون دادی، سر دادی..

در راه عشق، در راه امام

تو امامت را یاری کردی

آری دستان کوچک تو درس بزرگ مردی

داد...

از حق دفاع کردی، از حقیقت...

اسمت فقط اصغر بود تو عین اکبر بودی...

آری تو اکبر بودی...

خون تو حق را زنده کرد...

تو فریاد یاری پدر را جواب دادی....

آری علی جان... تو مظلومیت آل علی را

معنا کردی.



وَ احْشُرْهُمْ مَعَ الْاَبْرَارِ وَ عَرَفَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (اعيان الشيعة، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶۰۵) خدایا! صورتش را سفید و بویش را خوش نما و با نیکان محشور کن و با محمد و آل محمد آشنا ساز. از امام باقر علیه السلام نقل شده: هنگامی که بنی اسد برای دفن شهدا، به معرکه جنگ آمدند، بعد از چند روز دیدند که بوی خوشی، چون مشک، از اندام جَوْن متصاعد است!

حادثه کربلا سراسر زیبایی است اگر با دیده دل و معرفت به آن نگاه شود. «و ما رأیت الا جمیلاً»، کربلا تجلی جمال و جمال الهی و کمال انسانی است، رضا به قضای الهی، رسم الخط حق و باطل و پیروزی واقعی، نمونه ای از زیبایی های آن است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى، وَ مُنَاصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ، وَ عَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ وَ حَذَرَ أَهْلِ الْحَشِيَّةِ، وَ طَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَ زَيْنَةَ أَهْلِ الْوَرَعِ، وَ خَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ، حَتَّى أَخَافَكَ؛» (بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۹۱)

حبيب بن مظاهر، آن پیرمردی که اسوه ایمان و تقوی و اخلاص بود و از معدود افراد کوفه که به عهدش وفادار ماند و تا آخرین لحظه عمرش خالصانه و عارفانه در رکاب حضرت ماند. طبق نقل قولی، امام علیه السلام فرموده اند: «من عالم را با حبيب عوض نمی کنم.»

بود زلطف سحر بیشتر صفای حبيب شکفته آتش صد نی به ناله های حبيب کند به شب همه شب ختم، دور قرآن را کدام عاشق صادق رسد به جای حبيب (محمد حسین بهجتی / شفق)



جز زیبایی چیزی ندیدم!

ای پناه هر پناه جوئی. [حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۵۷، به نقل از مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۵۷]. همه حقیقت را عقیده بنی هاشم، اسوه صبر و مقاومت حضرت زینب سلام الله علیها گفت: «ما رأیتُ الا جمیلاً» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶). و چه زیبا و پر معناست شنیدن این حقیقت والا از زبان آن حضرت، در شرایطی که ظاهر بینان و اهل دنیا فقط آن مصائب جانکاه و دلگداز را می دیدند!

آیا می شود داستان زهیر بن قین بجلی در کربلا را شنید و زیبایی آن را ندید؟ او که شب عاشورا گفت: «و الله لوددت انی قتلت ثم نشرت ثم قتلت حتی اقتل علی هذه الف مرة و ان الله عزوجل يدفع بذلك القتل عن نفسك و انفس هولاء الفتيان من اهل بيتك؛ (مقتل الحسین مقرر، ص ۲۳۳) به خدا قسم، دوست دارم که کشته شوم، سپس برانگیخته شوم و تا هزار بار دیگر کشته و زنده شوم تا بدین سبب از جان شما و جوانان اهل بیت شما بلا به دور ماند.»

مگر می شود حماسه وهب نصرانی را خواند و پی به زیبایی های عاشورا نبرد؟ جوان تازه دامادی که عشق و ایمان و رشادت و شجاعت مثال زدنی او برای تاریخ ماند و چه خوش عاقب بخیری که نصیب او و خانواده اش شد. امام حسین (ع) به مادر او فرمود: «ای ام وهب! تو و فرزندت، در بهشت، همراه پیامبر خدا (ص) و فرزندانش خواهی بود!»

یا وقتی جَوْن از امام اذن میدان خواست امام فرمود تو از جانب من اجازه داری از کربلا بروی، جَوْن گفت: «به خدا قسم از تو جدا نمی شوم تا اینکه این خون سیاهم با خون های شما مخلوط شود.» وقتی شربت شهادت نوشید امام علیه السلام بر بالین او چنین دعائی کرد: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ طَيِّبْ رِيحَهُ

حادثه عاشورا مظهر عجایب است، فهم متغیرهای اعجاب برانگیز آن نیز خود توفیقی می خواهد و سعادت؛ شگفتی های این حادثه عظیم و عجیب، آنقدر گسترده و بی پایان است که فقط می توان چنان نمی از اقبانوس حقایق آن چشید و روح و جسم حقیقت جوی را در شگفتی های ناتمام آن مبهوت و مدهوش ساخت. از کدام عظمت و زیبایی این پدیده تاریخی فرا تاریخ! باید گفت؟! از خود حادثه که هنوز هم تحلیل ها در بیان عمق و ابعاد پیدا و پنهان آن ناتوان هستند! از حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام که جهانی به پهنای تاریخ سرگشته و در مانده از فهم عظمت اقدام ذو ابعاد آن حضرت می باشد؟ از تک تک یاران و عشاق وفادار آن حضرت که درک حقایق داستان هر کدام می تواند زلزله ای در جان های خفته ایجاد کند؟ از حضرت زینب سلام الله علیها که اگر نبود قیام و جهاد شجاعانه و حکیمانه او، شاید امروز اثری از آن حادثه عظیم باقی نبود؟ از استمرار حرکت عاشورا و ادامه اعجاز آور پدیده هایی که متأثر از آن، تاریخ را در نور دیده و انشاء الله با قیام و انتقام حضرت بقیة الله الاعظم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدالت را در جهان برقرار و حیات ظلم و ظلال را پایان خواهد داد؟

آری، درنگی با پای عشق و عبودیت، جز زیبایی در آئینه عاشورا، نخواهد دید، عبودیت الهی که در میان باشد همه چیز می شود عشق، می شود زیبا، می شود جلوة جمال و کمال خدا، می شود حسین (ع) که در سخت ترین لحظات، خواسته اش از خدا این است: «إِلَهِي رِضِي بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» [ای خدای من، من راضی به قضاء و حکم تو هستم و تسلیم امر و اراده تو می باشم. هیچ معبودی جز تو نمی باشد



ای وجودیندن نظم نظم عالم یا حسین
سندہ محکم دور بنای عرش اعظم یا حسین
سایه لطفون پناه اولدی ازده آده
حشره تک مرهون الطافونری آدم یا حسین
‘محمد علی بلوری’

هدف از برگزاری مجالس اهل بیت (علیهم السلام)



از جمله اهدافی که برای برگزاری مجالس اهل بیت علیهم السلام می‌توان اشاره کرد این است که آدمی روح و زندگانی خود را در راستای روح و زندگانی اهل بیت علیهم السلام قرار دهد تا هم به سعادت در زندگی دنیایی دست یافته و هم به سعادت در زندگانی جاوید اخروی برسد و اصلاً مهم‌ترین هدف هم همین است و همچنین در این صورت است که حب و دوست داشتن اهل بیت علیه السلام معنا پیدا می‌کند که در غیر این صورت مانند کودکی است که به پدر خود می‌گوید تو را دوست دارم اما در اجرای فرامین پدرش کوتاهی کرده و با بی تفاوتی از آن عبور می‌کند.

از این رو است که معنای دوست داشتن آن زمانی تحقق پیدا می‌کند که در وهله اول ببینیم اهل بیت علیهم السلام چه چیزی می‌فرمایند، یعنی دیدگاهشان نسبت به زندگانی دنیوی و اخروی چیست و بعد ببینیم از ما چه می‌خواهند. در رابطه با زندگانی دنیوی امام حسین علیه السلام به پیروان خود توصیه می‌کنند در سرگذشت دیگران تامل کن. حضرت می‌فرمایند: «ای فرزند آدم کمی اندیشه کن و خطاب به نفس خود بگو: پادشاهان و صاحبان دنیا و جهان داران گذشته کجایند؟ آنها که شهرها بنا کردند و نهرها جاری کردند و سرانجام با بی میلی از همه آنها جدا شده از دنیا رفتند و همه را به دیگران به ارث گذاشتند، ما هم روزی مثل آنها همه چیز را به دیگران وا گذاشته به آنها خواهیم پیوست. ای فرزند آدم هنگامی را به یاد آور که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنی و در قبر پهلو به زمین می‌گذاری و در پیشگاه خداوند تمام اعضای بدنت علیه تو گواهی خواهند داد و رازهای پنهان آشکار شده، ترازوهای عدالت برقرار می‌شود.»

در جایی دیگر می‌فرماید: «دنیا منزلگاهی است موقت که جای سکونت دائم نیست پس از این دنیا توشه گیرید که بهترین زاد و توشه تقواست ... بیچاره کسی است که فریب زرق و برق این دنیا را خورده دل به این زندگانی فانی و زوال پذیر ببندد.»

ادامه در صفحه بعد

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای بهزاد زارع از جانبازان ۸ سال دفاع مقدس



ایام محرم است و دوستان نشریه در حال و هوای تهیه ویژه نامه فلاح برای این ایام می‌باشند، بخش مصاحبه پیگیری مصاحبه با شخصیتی است که شایسته ترین محرم ها به عاشورای ۶۱ هجری قمری را تجربه کرده باشد، کدام ایامی است که بتواند قرابتی بیشتر از عاشوراهاى دفاع مقدس و دفاع از حرمین اهل بیت علیه السلام داشته باشد! بهترین و نزدیکترین الگوهای عاشورایی را باید از سراغ کسانی گرفت که شخصاً حضور میدانی مؤثر در چنین ایامی را داشته اند. پیام ها و درس های عاشورایی را باید از عاشورائیان گرفت، کسانی که هم علم و بصیرت را دارند و هم مرد میدان های سخت می باشند.

جناب حجت الاسلام حاج آقای بهزاد زارع از جمله شخصیت های مجاهد، بصیر و دوست داشتنی است که از دوران نوجوانی به جبهه های حق علیه باطل اعزام و بیشتر دوران دفاع مقدس هشت ساله را در مناطق جنگی حضور داشته اند. این رزمنده مجاهد، چندین بار مجروح و شیمیایی شده و از جانبازان بالای ۷۰ درصد می باشند، بعد از دفاع مقدس نیز همچنان به مجاهدت در جبهه های خدمتگزاری به نظام مقدس جمهوری اسلامی از جمله عرصه های فرهنگی، اجتماعی و علمی ادامه داده است.

برای مصاحبه تماس گرفتیم، در حال مسافرت تبلیغی بودند و سخت مشغول جهاد تبیین و مراسمات دهه اول محرم. تقاضا کردیم که برای ما از محرم در جبهه ها بگویند و اینکه رزمندگان اسلام این ایام را چگونه سپری می کردند. علی رغم شرایط سخت، بزرگواری نموده و درخواست ما را پذیرفتند تا ویژه نامه محرمی فلاح، میزبان این مجاهد و رزمنده دوران های سخت باشد.

ادامه در صفحه آخر

اما سوال اینجاست که با ادعای محبت به اهل بیت علیهم السلام و بالاخص امام حسین علیه السلام چرا جهت زندگانی مان در راستای فرمایشات حضرات معصومین علیهم السلام نیست؟

یکی از عواملی که می توان به آن اشاره کرد رذایل اخلاقی است که در وجود آدمی است و مانع عمل کردن فرد به فرامین اهل بیت علیهم السلام می شود مانند ویروسی که وارد بدن می شود و تمام بدن را فلج می کند و هیچ جایی برای تلاش و تکاپوی فرد نمی گذارد که در این حالت انسان باید در صدد رفع آن ویروس برآید. که همانگونه که با درمان و مداوای ویروس قوت و قدرت برای تکاپو به اعضا و جوارح او بر می گردد با از بین بردن رذائل اخلاقی نیز روح و وجود فرد برای عمل به فرامین اهل بیت علیهم السلام قوت می گیرد.

عارف حاجی محمدی

هشت سال دفاع مقدس ما، صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه ای زمانی نیست؛ گنجینه ای عظیمی است که تا مدت های طولانی ملت ما میتواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه گذاری کند. ۱۳۸۸/۰۶/۲۴

امام خامنه ای (مدظله العالی)



بسم رب الحسين

آفتاب کم کم در حال غروب هست و مردم عاشق اهل بیت آرام آرام در حال جمع شدن هستند. عجب صحنه باشکوهی... قابل وصف نیست...

روزها چندین بار صحنه‌های زیبایی در جلوی چشمانمان اتفاق می‌افتد، ولی به خاطر مشغله‌ها و غفلت‌ها توجهی به آنها نمی‌شود.

مردم مرند از دیرباز به امامزاده سید احمد (ع) که نوه بلافضل آقا موسی بن جعفر علیه السلام هست، علاقه و ارادت کامل دارند، ولی در سال‌های اخیر به خاطر کج سلیقه‌ی و غفلت بعضی مسئولان به بهانه بازسازی، امامزاده حالت نیمه تعطیل پیدا کرده است. امسال هم خون امام حسین علیه السلام و اصحاب با وفایش موجب زنده شدن دین و محبت مردم شده و به برکت محرم و عزاداری ارباب بی کفن امامزاده رونقی دوباره گرفته است. صدای اذان سلیم زاده (رحمه الله) صفای افزونتری به محیط معنوی امامزاده می‌دهد الله اکبر... اشهد ان لا اله الا الله....



ادامه:

جز زیبایی چیزی ندیدم!

زیبایی داستان خُزَرن یزید ریاحی مگر قابل پوشاندن است! او به تهایی گواهی است بر حقانیت راهی که تا ابد جداکننده مسیر حق از باطل است. حُرّ راهنمای روشنی است بر گم‌گشندگان راه سعادت؛ اینکه در هر شرابی هم که باشی، می توان برگشت و حقیقت را یافت. فرمانده نامداری که وقتی حق را یافت، تسلیم شد؛ هر چند که قبل از آن مانع حرکت کاروان کربلا شده بود. او آخرین فرصت را از دست نداد و درست روز عاشورا، سعادت ابدی گرفت و نشان آزادگی را از امامش دریافت نمود. امام در بالین او فرمود: «تو حر و آزاده ای همان گونه که مادرت بر تو نام نهاد، تو در دنیا و آخرت حر و آزاده ای.»

چگونه می توان زیبا ندید وقتی امام علیه السلام سر بالین آن غلام ترک رسید، چونان فرزند خودش حضرت علی اکبر، صورت به صورتش نهاد؛ غلام که حضرت را بر بالین خود دید تبسمی کرد و به سوی رب خویش بازگشت «فَتَبَسَّ ثُمَّ صَارَ إِلَى رَبِّهِ» (بحارالانوار، جلد ۴۵، ص ۳۰)

سلطان سلطانی

صف‌های نماز بسته می‌شود و نماز جماعت شروع می‌شود. صدای چکه‌های باران از گوشه و کنار می‌رسد که نم نمک در حال باریدن هست. نمی‌دانم از باریدن باران خوشحال باشم یا ناراحت، نمی‌دانم دعا کنم امشب باران بیاید یا زود قطع شود. حال عجیبی هست، باران که نعمت الهی هست، همیشه دعا می‌کنیم بیاید و جانی به دل زمین‌های تشنه بدهد اما امشب فرق می‌کند. اگر باران بیارد به خاطر ایزوگام نبودن سقف و آماده نشدن گنبد، کل فرش‌ها و موکت‌ها خیس می‌شود و مراسم به هم می‌خورد.

نمی‌توانم تکبیره الاحرام را بگویم و نمازم را شروع کنم. زود بیرون می‌روم و به یکی از خادمین می‌گویم: آتقی هنوز بارون داره میداد، تند می‌باره...؟ آره حاجی اگه همینطوری بیاره کارمون زاره، همه چی خیس میشه و گل آلود، حاجی دعایی کن بارون نیاد!

با خود می‌گویم: خدایا هرچی مصلحت هست، حتما فکر ما و مراسم ما را هم کردی! نمی‌توانم نماز را شروع کنم و چند بار بیرون می‌روم و داخل بر می‌گردم. بالاخره باران قطع می‌شود و نفس راحتی می‌کشیم...

مراسم با استقبال خوب مردم شروع می‌شود و بعد از اقامه نماز و سخنرانی و عزاداری و پنخش احسان آقایان، در حال پنخش غذای خواهران هستیم که شلوغی قسمتی توجهم را جلب می‌کند. با کمی دقت متوجه می‌شوم یکی از مسئولین شهرستان در مراسم حضور پیدا و عده‌ای از مردم دورش جمع شده‌اند. سریع خودم را می‌رسانم و مسئول را به گوشه‌ای می‌کشم. بعد از سلام و احوالپرسی به خاطر شناخت اولیه بدون مقدمه شروع می‌کنم. آقای فلانی شما شخصی مذهبی، انقلابی مومن متدین هستید ما از شماها انتظار داریم در آماده سازی زیر ساخت‌های فرهنگی کمک کنید نه اینکه در پیشرفت امامزاده‌ای به این عظمت و بزرگواری که جزء ده امامزاده معتبر کشور و معتبرترین امامزاده استان و شمال غرب کشور هست مانع تراشی کنید!

چند دقیقه ای پشت سر هم می‌گویم ولی از قیافه طرف معلوم هست که اثری ندارد! در ظاهر قول‌هایی می‌دهد و می‌رود ولی می‌دانم که بر عکس گفته‌هایش عمل خواهد کرد...

این روزها در کنار برنامه ریزی‌ها و پیگیری‌های فشرده برای اجرای مراسمات که با عنایت حضرت پیش می‌رود به این فکر می‌کنم چرا در انقلاب اسلامی که مدیون هزاران هزار شهید هست بعضی از مسئولین این قدر به درد نخور هستند!؟

آیا فقط مردم وظیفه دارند و حکومت و مسئولین حکومتی در تهیه زیر ساخت‌هایی مثل مجالس اهل بیت و تعظیم امامزادگان وظیفه ای ندارند!؟

صدایی شرمنده‌ام می‌کند. مردی با زبان فارسی و با محبت می‌گوید: حاج آقا ببخشید چرا قرآن و مفاتیح‌ها روی زمین هست!؟ آهان قفسه ندارید! هزینه‌اش چقدر می‌شود؟

با یکی از بچه‌ها تماس می‌گیرم و هزینه را جویا می‌شوم. کارت خوان را برمی‌دارد و کارت می‌کشد و التماس دعا کرده و می‌رود.

به قول حضرت امام: «باید دست این مردم را بوسید...».

رسول عارفی

نگاه رسانه‌ای به واقعه عاشورا

بی‌گمان آن‌سان که «رسانه» می‌تواند برای تحریف حقایق و رسانه شدن بر دوش تک‌تک کسانی که شناخت کافی به پیام ترور شخصیت‌ها مناسب باشد و آن چنان حرکت کند که شب را روز و خوبی را بدی و بدی را خوبی جلوه دهد، وسیله‌ای برای بیان واقعیت‌ها و هدایت خلق برای دستیابی به ارزش‌های معنوی جویای حقیقت هستند برسانند.

و الهی نیز می‌تواند باشد.

واقعه سال ۶۱ هجری و شهادت سبط اصغر حضرت رسول اکرم (ص) و یارانش در کربلا، با همه ویژگی‌هایی که دارد، صحنه‌ای بسیار خوب و مناسب برای قضاوت در نقش دوگانه رسانه‌هاست. انگلیسی برای شیعیان وهن مذهب ایجاد نکنند.

با توجه به اینکه رسانه دینی و اسلامی طبق بینش و فقه و اخلاق (علوی ۱۳۸۸/۱)

حادثه عاشورا را می‌توان یکی از بزرگترین حوادث تاریخ بشریت نامید که جنبه ملکی و ملکوتی آن غیرقابل انکار بوده و با نگاه های مختلف به آن نگریسته شده است.

به حادثه عاشورا می‌توان با دو نگاه دیگر هم نگریست و به عبارت دیگر می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد.

یک قسمت مربوط به واقعه عاشورا است که در زمان و مکان مشخص این واقعه عظیم تاریخ بشریت رخ داده است و عالم ملک و ملکوت و عوالم دیگر هستی را به توجه و تأثر واداشته است. اهمیت بیشتری برخوردار است.

قسمت دیگری که باعث شده این واقعه ماندگار باشد و ابرار و احرار و بشریت از معارف بلند و آزادگی و دیگر نکات این واقعه استفاده کنند، قسمت انعکاس و رسانه ای این واقعه است.

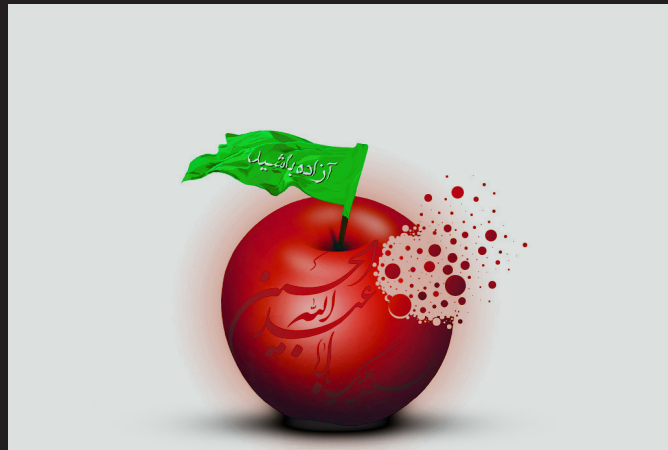
این بُعد انعکاس و ماندگاری و رساندن آن به نسل‌های بعدی، مورد توجه ویژه ائمه معصومین علیهم السلام بوده است و این بُعد بلافاصله بعد از وقوع حادثه عاشورا شکل گرفته و توسط امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب سلام الله علیها و دیگر واقعه نگاران به نسل‌های بعدی منتقل شده است.

با نگاه رسانه‌ای می‌توان گفت که آن بزرگواران، رسانه‌ای شدند برای ابلاغ پیام و حادثه عاشورا.

واقعه عاشورا مثل خورشیدی در تاریکی‌های تاریخ بشریت تابید و حتی می‌توان گفت که قبل از اینکه در زمان و مکان خاص اتفاق بیفتد از اول تاریخ بشریت تابیده و برای جستجوگران حقیقت نور راه و قلوب بوده است.

عاشورا انعکاس نور بوده و هست و خواهد بود و این انعکاس در زمان ائمه معصومین علیهم السلام به وسیله آن حضرات و شیعیان رسانه‌ای شده است و در زمان غیبت هم این رسالت و

کار گروه رسانه‌ای



«دلگیرترین غروب تقویم»

(دلنوشته‌ای که روز اربعین سال قبل در حسرت حضور، بر قلم جاری شد و خدا کند امسال جا نمانیم)



بسم رب کربلا

امروز اربعین است و آسمان به شکل دلگیرتری دلگیر است. غروب اربعین دلگیرترین غروب تقویم است، مخصوصاً اگر نامت جزء لیست جامانده‌ها باشد.

امروز آسمان و زمین سخت‌ترین لحظاتشان را سپری می‌کنند، نفس‌های آسمان به شماره افتاده و زمین دیگر نای ناله کردن ندارد.

چقدر حس بدی است حس جاماندن، چقدر حس بدی است حس اضافه بودن، حس گناهکار بودن و دعوت نشدن به ضیافت عشاق و سخت‌تر از آن دیدن خیابان‌های خلوت شهر است، درحالی‌که می‌دانی عاشقان در خاک عراق و مشایه جمع‌اند، و سخت‌تر از همه اینها دیدن وسعت بین الحرمین از قاب کوچک تلویزیون با دیده‌ای اشکبار است.

کاش قلم اندکی یاری می‌کرد و می‌توانستم بیشتر حال دلم را شرح دهم، و ای کاش تمام مردم اهالی دهکده ادبیات مساعدت می‌کردند تا کمی بیشتر می‌توانستم آرایه‌های ادبی به کار برم و شرح حال دل‌کنم، و ای کاش می‌توانستم تمام واژه‌های عالم را بسیج کنم تا شاید بتوانم اندکی، فقط اندکی حس غریبانه یک جامانده را به تصویر بکشم.

اصلاً می‌خواهم بسیار ساده و بی‌آلایش بگویم که چقدر زمین و زمان و آسمان دلگیر است وقتی دلت در گوشه‌ای از شش گوشه‌ای گیر است... رخصت می‌طلبم تا غم‌نامه‌ام را جور دیگری قلم بزنم!

ای تشنه‌ترین شهید تاریخ! چه می‌شد نام بی‌نام و نشان مرا نیز بین زائران نامداریت می‌نوشتی؟ تا این همه در فراق بی‌تابی نمی‌کردم.

ای شهیدترین شهید عالم! چه می‌شد دعوت‌نامه یک روزه که نه، لااقل

دعوت‌نامه‌ای یک ساعته برای من معصیت کار می‌دادی؟ تا گلوگیرترین بغض‌ها نصیب قفس حنجره‌ام نمی‌شد!

ای سربلندترین بی‌سر دنیا! در فراق وازة وازة بغض کرده‌ام، سطر به سطر ضجه زده‌ام و غزل غزل گریسته‌ام.

پر دلم تاول زده است و توان پرواز کردن به سوی تو را از من ربوده است، تاولی از جنس عصیان و نیازدگی...

وعده دیدارت را در چه روزی از تقویم به دیدگان دلتنگم دهم تا کمی قرارت را گیرند؟! آلا یا اهل العالم! بر سزدر

مکتب‌خانه عشاق این چنین مشق عشق کرده‌اند:

«در بزم وصالش همه کس طالب دیدار تا یار که را خواهد و میلش به که باشد»

۱- فلاح: باسلام و تشکر از جنابعالی که وقتتان را در اختیار نشریه فلاح قرار دادید تا در این روزهای حزن عاشورایی ما را در حال و هوای محرمی دوران دفاع مقدس و رزمندگان اسلام برده و درس آموز گوشه‌هایی از گنجینه‌های نهفته در آموزه‌های پیشمار این دوره عظیم سازید. به عنوان اولین سؤال و ورود به گفتگو، خواهشمند است حال و هوای رزمندگان اسلام در ایام محرم و عاشورای حسینی را تجسم نموده و با زبان کلمات تصویرسازی نمایید؟

حاج آقای زارع: واقعاً حال هوای جبهه مخصوصاً در ایام عاشورا غیرقابل توصیف است. در یک جمله ای کوتاه اگر عرض کنم، رزمندگان بدون غل و غش و مخلصانه عاشورا را مشق میکردن، لذا عین همان صحنه‌ها هر لحظه در حال تکرار بود. شهید اسدالله پازوکی فرمانده گردان بود و در ارتفاعات غرب در حین پاتک دشمن یک دستش قطع میشود اما عقب نمی رود و به فرماندهی خود ادامه میدهد و کنار نیروهایش میماند. حاج همت از عقب پشت بیسم داد میزند که بیاید عقب ایشان میگوید درسته من دستم قطع شده اما من با دست فرماندهی نمیکنم وبا زبان فرماندهی میکنم و زبانم هم سالم است میتوانم ادامه بدهم چرا بروم عقب؟! میماند و در ادامه چند تیر هم میخورد و در آخرین لحظات اینطور با حضرت ابوالفضل العباس نجوا میکند که: «آقا جان تو دو



دستت قطع شد عقب نرفتید من چرا عقب بروم من هنوز میتوانم ایفا نقش کنم و ...»

۲- فلاح: در مورد چگونگی عزاداری‌ها و برجستگی‌های خاص آن دوران بیشتر توضیح بفرمایید؟

حاج آقای زارع: مهمترین ویژگی جبهه‌ها اخلاص بود و در ایام عاشورا عیار اخلاص



بالاتر بود لذا انسان عاشورا را با همه وجود حس میکرد یکی از چیزهای آزار دهنده امروز ناخالصی‌ها است، یعنی همه میگوییم، آقا: کاش اونجا کنار شما بودیم، ولی حقیقتاً صادقانه نمیگوییم: اما اون روزها رزمندگان فقط نمیگفتند بلکه عاشورا را در رفتارشان به نمایش میگذاشتند.

اون روزا رزمندگان فقط نمیگفتند، بلکه عاشورا را در رفتارشان به نمایش میگذاشتند.

۳- فلاح: اگر موافق هستید، کمی هم از شبهای عاشورا یا شام غریبان‌های شهدای کربلا مخصوصاً در ایام نزدیک به شبهای

حکومت و مدافعان بود؛ یکی حرم خانم حضرت زینب سلام الله علیها و دوم کاخ بشار اسد و سوم فرودگاه دمشق غیر از این سه نقطه همه جا سقوط کرده بود.

وقتی حاج حسین همدانی از هوایما پیاده شد فرمانده ارتش سوریه به استقبال او آمد و دید حاج حسین زن و دو دختر جوان خود را هم با خود آورده، ایشان تعجب کرد و ناراحت شد؛ گفت: آقای همدانی اینها را چرا آوردی؟! ما اگر بتوانیم زن و بچه خود را هم از سوریه خارج میکنیم ایجا جنگ است، شما چرا اینها را همراه خود آورده اید؟! شهید همدانی برگشت گفت: «معلم ما آن آقایی است که برای دفاع از دین خدا شش



وقتی حاج حسین همدانی از هوایما پیاده شد فرمانده ارتش سوریه به استقبال او آمد و دید حاج حسین زن و دو دختر جوان خود را هم با خود آورده، ایشان تعجب کرد و ناراحت شد؛ گفت: آقای همدانی اینها را چرا آوردی؟! ما اگر بتوانیم زن و بچه خود را هم از سوریه خارج میکنیم ایجا جنگ است، شما چرا اینها را همراه خود آورده اید؟! شهید همدانی برگشت گفت: «معلم ما آن آقایی است که برای دفاع از دین خدا شش ماهه اش را هم همراه خود آورد ما از اون آقا آموخته ایم و ...»

عملیات بگویند؟

حاج آقای زارع: عرض کردم غیرقابل توصیف است شما تصورش را بکنید گاهی این ایام عیناً با شهادت و شام غریبان بهترین رفقا و دوستان تقارن پیدا میکرد فقط میشود گفت شام غریبان واقعی بود کاملاً واقعی نه نمادین و نمایشی و ...

۴- فلاح: یکی از رمز و رازها و شنیدنی‌های دفاع مقدس، توسل رزمندگان به شهدای کربلا و رمز عملیات‌ها بنام نامی ائمه معصومین، خصوصاً شهدای کربلا و مادرشان حضرت زهرا سلام علیها بود، مقداری در این باره صحبت کنید؟

حاج آقای زارع: رزمندگان تمام درس خود را از عاشورا گرفتن و به امام و یارانش تأسی کردن یکی از درسهای مهم عاشورا توکل به خدا و اعتماد به قادر مطلق است جمع رزمندگان بهترین تجلی توحید بود، همانطور که عاشورا مشق توحید بود.

سردار شهید همدانی که این روزها هم ناجوانمردانه توسط فتنه‌گران مورد اهانت قرار گرفته؛ در شرایطی وارد سوریه شد که تمام سوریه سقوط کرده بود و فقط سه نقطه در دست

ماهه اش را هم همراه خود آورد ما از اون آقا آموخته ایم و ...» شهید همدانی بنای ارتش جدیدی (بسج مردمی) در سوریه نهاد که امروز ۷۰۰ هزار عضو دارد؛ بله این درسها امروز اینطور ساری و جاری است.

۵- فلاح: اگر بخواهیم مقایسه‌ای انجام دهیم حقیقتاً نمادی از عاشورا در دفاع مقدس شاهد بودیم و بسیاری از صحنه‌ها، تکراری از صحنه‌های عاشورایی بود، علت این قرابت و نزدیکی چه بود؟

حاج آقای زارع: بله مقام معظم رهبری فرمودند: «دفاع مقدس تجلی عاشورا بود.» علتش اینه

حاکم شود، همه زیبایی های عاشورا و ارزشهای آن متجلی میشود و دیگر نباید شاهد این همه فرصت سوزی باشیم.

حاج آقای زارع: بنظر من بنظر می رسد هیأت های عزاداری می توانند حلقه واسطی باشند برای انتقال نمادهای عاشورایی دفاع مقدس به متن جامعه، اگر با این نظر موافقت نظرتان چگونه می توان آن را عملیاتی کرد؟

حاج آقای زارع: بله، هیأت ها ابزار خوبی هستند، اما گاهی هیأت ها هم دچار آفتهایی همچون افراط و تفریط میشوند؛ بنظر من شور هیات ها خوب است و همین شور است که فرهنگ عاشورا را زنده نگهداشته، اما نباید فقط در ایجاد شور بمانیم،

متأسفانه اینطور شد که ارزشهای دینی رنگ باخت، ارزش دنیا در این است که انسان از دنیا برای آباد کردن آخرت استفاده کند اما در فرهنگ دنیا طلبانه، دنیا برای دنیا و تکاثر اموال و لذتهای مادی بیشتر استفاده میشود.

۸- فلاح: به نظر جنابعالی دلایلی که باعث شد جامعه ما از نمادها و الگوهای رفتاری

مذکور فاصله بگیرد در چیست؟

حاج آقای زارع: بنظر حقیر علت این فاصله گرفتن ها دنیا طلبی و دنیا گرایی است. چون اساس دنیا طلبی لذت گرایی است و انسان برای ارضای لذتهای خود لازم است مزاحمت ها را از سر راه بردارد، لذا تربیت نفس نقطه مقابل لذت گرایی مادی است، کسی که بخواهد از لذت های مادی، حداکثر کام گیری کند مقولاتی همچون ایشار و فداکاری و گذشت و... معنایی ندارد و مزاحم است.



که با همان مینا و بر همان پایه شکل گرفت؛ اساس عاشورا ظلم ستیزی و سازش ناپذیری و ذلت ناپذیری بود، لذا دفاع مقدس هم دقیقاً براین اساس شکل گرفت.

۶- فلاح: بنظر من رسد یکی از علل موفقیت و پیروزی های خیره کننده رزمندگان در دفاع مقدس، علی رغم کمبود امکانات نسبت به دشمن، الگوی ایمانی، اخلاقی و رفتاری امام حسین علیه السلام و یاران شهیدش بود، این الگو برداری چگونه صورت می گرفت و روح و عمل رزمندگان را تحت تأثیر قرار می داد؟

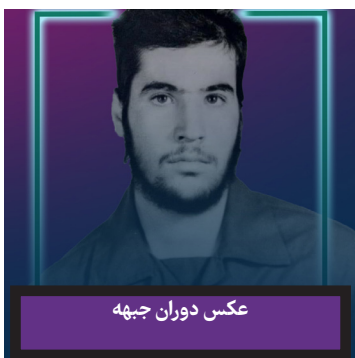
حاج آقای زارع: اساساً هرگاه کار گره میخورد اصطلاحاً فرماندهان برای بازکردن گره ها و بن بست شکنی، میگفتن موقعیت عاشورایی است! عاشورا رمزی بود که وقتی گفته میشد موقعیت عاشورایی است یعنی باید با همه توان جنگید و معمولاً کسی در چنین شرایطی کم نمی گذاشت.

۷- فلاح: متأسفانه جامعه امروز، با فاصله گرفتن از اخلاق و اخلاص رزمندگان اسلام، دچار ناهنجاری های بسیاری شده است، مهمترین ویژگیهای رزمندگان اسلام را توصیف نموده و نمونه هایی بیان بفرمایید؟

حاج آقای زارع: دفاع مقدس تجلی عاشورا بود، یعنی همه درسها، آنجا مشق شد و گذشت، ایشار و فداکاری و... ساری و جاری گشت؛ امروزه متأسفانه این ارزشها فراموش و یا کم رنگ شده است، چرا که عموماً مردم دنبال لذت گرایی هستند و این ارزشها را مزاحم لذت گرایی میدانند. به عنوان مثال اگر امروز فرهنگ عاشورا در سبک زندگی ها ساری و جاری شود نباید شاهد این همه طلاق و آسیب های اجتماعی و... باشیم. یا اگر فرهنگ عاشورا در مدیریت کشور و اداره جامعه

شهید محسن امیدی فرمانده گردان برای اینکته نیروهایش بتوانند راحت تر عقب بیایند تنهایی در خط ماند تا دشمن را مشغول کند و همه را به عقب فرستاد و پیکر مطهر خودش ۱۴ سال بعد آمد.

باید شعور را هم توسعه داد؛ اصل شعور است، شور هم برای تعمیق شعور است. متأسفانه الان اکثر هیأت ها فقط بر شور تاکید دارند و وقت لازم برای شعور نمیگذارند. مثلاً خیلی جاها میگویند سخنران ۲۰ دقیقه بیشتر نباید صحبت کند، ولی ۳ ساعت سینه زنی میکنند. خوب اینطوری شور بر شعور غلبه پیدا میکند و معارف منتقل نمیشود و مردم همش احساساتی عمل میکنند و...!



۱۱- فلاح: برگردیم به حال و هوای محرمی زمان شب عاشورایی که یادتان هست کی بود؟

حاج آقای زارع: یادم هست عملیات ۲۰ شهریور جزیره مجنون در ایام محرم بود، واقعاً غیر قابل توصیف است؛ عطش، گرمای

۹- فلاح: چه باید کرد تا آن اخلاقیات و معنویات به جامعه برگردد؟

حاج آقای زارع: بنظر من باید معارف دین بسط و گسترش پیدا کنند و باید بر روی جهان بینی خود و جامعه کاری بیشتری بکنیم، نوع نگرش به دنیا و جهان باید اصلاح شود. متأسفانه دشمن با غلبه فرهنگی و رسانه ای نگرشها را تغییر داده

فلاح بفرمایید، آن چیست؟

حاج آقای زارع: براساس تبیین شهید مطهری و مقام معظم رهبری تاریخ در عاشورا تقسیم ثنایی شد، دو جبهه در تاریخ ایجاد شد یکی جبهه حسین علیه السلام و یکی هم جبهه یزید لعنت الله علیه و همواره انسان ها در یکی از این دو جبهه هستند. این «کُلُّ یَوْمٍ عاشورا و کُلُّ اَرْضٍ کربلا» ظاهراً روایت نیست و قطعه ادبی بر گرفته از مضمون روایتی است که این دو جبهه همیشه ساری و جاری است.

توصیه این حقیر به رفقا این است که عاشورای زمان خود و کربلای اطراف خود را دریابید، امثال حقیر حواسمان را جمع نکردیم و در بطن آن عاشورای دوران دفاع مقدس غفلت کردیم که جا ماندیم و الآن هی میدویم و جبران نمیشود!

لذا حقیر کسی نیستم توصیه کنم ولی اگر بعنوان برادر کوچک بخوادم نکته ای بگویم این است که، ما را نگاه کنید و عبرت بگیرید که از قافله عاشورای زمانه خود جا نمانید!



خاطراتی هست که نگفته ایم، اما اگر نگفته ام، مصلحتی بوده که الآن هم همان مصلحت باقیست.

۱۵- فلاح: می خواهیم خاطره ای از جنابعالی بشنویم که به دوران بعد از جنگ تحمیلی برگردد اما متأثر از فرهنگ اخلاص و فداکاری دفاع مقدس باشد؟

حاج آقای زارع: ببینید، مقام معظم رهبری در دیدار راویان دفاع مقدس فرمودن: « امروز هرچه داریم از دفاع مقدس است»

همه ما امروز شاهدیم که در حوادثی همچون سیل و زلزله و...، جوانان زیادی در قالب گروههای جهادی بلافاصله در صحنه ها حاضر میشوند؛ این صحنه ها که سالی چندین بار اتفاق می افتد متأثر از فرهنگ دفاع مقدس و عاشورا است.

به عنوان مثال: چند سال پیش ساختمان پلاسکو در تهران دچار آتش سوزی شد و همه میدانیم بیش از ۴۰۰ نفر در این ساختمان شاغل بودند و حادثه هم در ساعت پیک حضور، یعنی ۱۰ صبح اتفاق افتاد؛ قاعدتاً باید حداقل نیمی از این جمعیت در آتش میسوختند اما کمتر از ۴-۵ نفر از دنیا رفتند، چرا که بچه های آتش نشان، ایثارگرانه خود را به دل خطر زدند و از یک فاجعه انسانی جلوگیری کردند و حدود ۲۰ نفر از این عزیزان به شهادت رسیدند.

رهبری فرمودند: «اینها شهیدند شهید خدمت» و حدود ۵۰ نفر مجروح هم شدند. بعداً در بیمارستان با مجروحین این حماسه فداکارانه بزرگ مصاحبه شد، همه گفتند ما این درس را از رزمندگان دوره دفاع مقدس آموخته ایم.

در همین ایام برجی در لندن دچار آتش سوزی شد؛ این برج حدود ۷۰۰ نفر سکنه داشت که نیمی از آنها تلف شدند و یک آتش نشان هم حتی مجروح نشد !!!

تفاوت جاری شدن فرهنگ ایثار و گذشت در جامعه همین است اکنون همه ما شاهد تجلی این فرهنگ در قالب گروههای جهادی هستیم. در همین حادثه متروپل آبادان چه فداکارها که شاهد نبودیم.

۱۶- فلاح: به عنوان آخرین سؤال اگر قرار باشد فقط یک پیام ناب از محرم های رزمندگان برای مخاطبین نشریه

طاقت فرسا، آتش شدید و نابرابری امکانات واقعاً تکرار عاشورا بود. در قسمتی از عملیات، چاره ای جز عقب نشینی نبود، شهید محسن امیدی فرمانده گردان برای اینکه نیروهایش بتوانند راحت تر عقب بیایند تنهایی در خط ماند تا دشمن را مشغول کند و همه را به عقب فرستاد و پیکر مطهر خودش ۱۴ سال بعد آمد.

۱۲- فلاح: گفته می شود شب های عملیات، مانند شب عاشورا بود، مقداری از آن شب ها بگویید؟

حاج آقای زارع: شبهای عملیات مثل شب عاشورا بود، چرا که شب وداع با دنیا و آرزوهای دنیایی بود، شب جدایی از رفقا، شبی که آدم باید تکلیف خود را با دنیا مشخص میکرد، شب عملیات مرز ماندن و رفتن بود.

۱۳- فلاح: عقبه عاشورایی و افق پیش روی دولت مهدوی نزد شیعه، چه تأثیری در رشادات های رزمندگان و پیروزی های آنان در عملیات ها داشت؟

حاج آقای زارع: خوب سؤال را متوجه نشده ام اما اگر منظور اثر دولت جمهوری اسلامی در روحیه رزمندگان در خط مقدم مقاومت باشد باید عرض کنم حتماً تأثیر فراوانی دارد اگر عقبه هماهنگ با همان فرهنگ عاشورایی باشد کار خوبی جلو می رود اما اگر ناهماهنگی باشد متأسفانه اثر منفی دارد مثلاً در همین دولتهای یازدهم و دوازدهم میدان با دیپلماسی هماهنگ نبود لذا کار در جبهه مقاومت سخت شد چون دولت مردان ما عمدتاً اعتقادی به فرهنگ مقاومت نداشتند.

۱۴- فلاح: آیا خاطره ای دارید که تا الان جایی نگفتید و آن خاطره متأثر از محرم و عاشورا می باشد؟ اگر مانعی ندارد بیان بفرمایید؟

حاج آقای زارع: بله بطور خاص



دعوت به بهشتی

در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت، ما کجای این جنگ قرار داریم.

مقام معظم رهبری ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

بسمه تعالی

نشریه فلاح حرکتی خودجوش، جهادی و انقلابی است که با رویکرد فرهنگی و فکری در تلاش است تا با مشارکت شما مخاطبین عزیز، نقش موثری در عرصه تبیین و مقابله با جنگ نرم در بستر کار رسانه‌ای ایفا نماید.

بدین منظور از همه‌ی عزیزان مخاطب دعوت می‌نماید در هر زمینه‌ی فکری و قلمی که می‌توانند به کمک و یاری دوستان خود در فلاح بشتابند.

دست‌های شما را می‌بوسیم و منتظر ارسال آثارتان در هر زمینه‌ای که می‌توانید اعم از مقاله، یادداشت، تحلیل، گزارش، متن‌های علمی، ادبی و اجتماعی، شعر، عکس و... هستیم.

نحوه‌ی ارتباط با ما و ارسال آثار:

@yarane_zohoor313